



# راز مگو

نشریه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی راز مگو/دانشکده علوم پزشکی مراغه  
سال پنجم/شماره دوم/پاییز ۹۹

به یاد استاد محمد رضا شجریان



# با نام و یاد حضرت حق

فضای این روزها سرتاسر مملو است از غصه و اندوه. شاید قلم زدن در این فضای تیره و تاریک تسکین‌دهنده‌ی دردهای دغدغه‌مندان باشد. شاید کاغذ و قلم همانند دوستی است که بی‌هیچ قضاوتی شنونده‌ی دردهایمان است. امید دارم نشریه راز مگو پناهی باشد بر رنج‌ها و حسرت‌هایمان؛ فضایی باشد برای تخلیه احساسات و اندیشه‌هایمان.

نسخه‌ی پاییز نشریه رازمگو در حالی منتشر می‌شود که استاد بزرگ آواز ایران، استاد محمدرضا شجریان دیگر در بین ما نیست؛ مرگ و میر ناشی از کرونا به اوج خود رسیده و لحظه به لحظه در انتظار وقایع ناگوار هستیم. امید به آن که روزهای خوش فرا رسد.

شقایق نظری / مدیر مسئول

## سرشناسه

فصلنامه رازمگو، دانشکده علوم پزشکی مراغه  
سال پنجم، شماره دوم، پاییز ۹۹

## صاحب امتیاز

مرتضی عطایی

## مدیرمسئول

شقایق نظری

## سر دبیر

نرگس جعفری

## ویراستاران

شقایق نظری

نرگس جعفری

## گرافیکست و صفحه آرا

مرتضی عطایی

محمد جواد عموئی

## همکاران این شماره

پریسا اسبقی

سروش منصورى



## معرفی کتاب کوری

پرینسا اسبقی

“کتاب می خوانم چرا که زندگی مرا بس نیست.” فرناندو پسوا

اولین سطر از کتاب کوری، گریزی است به ترافیک یک چهارراه؛ راننده‌ی خودروبی، ناگهان دچار کوری می‌شود و به تدریج این کوری، همچون بیماری مسری، گریبان همه‌ی مردم شهر را می‌گیرد؛ در عین ناباوری چشمان همه، کاملاً سالم است ولی چیزی جز هاله‌ای سفید نمی‌بینند و بدین ترتیب، داستان یک شهر رقم می‌خورد.

وقتی به اواسط کتاب کوری رسیدم، انگار چشم‌هایم همچون شخصیت‌های این کتاب، کور شده بود، غرق در هاله‌ی سفید و بی‌انتهای درد را که در این داستان لمس کردم، تا مدت‌ها همراهم بود؛ درد زورگویی و تسلیم شدن در مقابل آن، درد تقلیدهای کور کورانه...

خوی درندگی را در ذات انسان دیدم و بارها به وحشت افتادم، صحنه‌ی تاریکی است آنجا که آدمی برای زنده ماندن تقلا می‌کند و دست به هر کار درست و نادرستی می‌زند.

ژوزه ساراماگو، خالق این رمان نمادین و برنده جایزه نوبل ۱۹۹۸ است. او در این کتاب، برای نشان دادن آشفتگی و بی‌هویتی انسان‌ها از نثر دشوار استفاده کرده و برای شخصیت‌ها، اسمی انتخاب نکرده است. وی برای ملموس بودن پیچیدگی فضا، دیالوگ‌های اشخاص را تنها با یک ویرگول از هم جدا می‌کند. ولی در عین حال، چنان آن را نگاشته که خواننده خود را در آن شهر می‌یابد و بارها از خود می‌پرسد که مرز بینایی و کوری کجاست؟ آیا به راستی می‌بینیم؟!

- “چرا ما کور شدیم؟

+ نمیدانم، اما شاید روزی بفهمیم.

- می‌خواهی نظر مرا بدانی؟ من فکر می‌کنم ما کور نشده‌ایم، ما کور هستیم؛ کور اما بینا، کورهایی که می‌توانند ببینند، اما نمی‌بینند.”



# روز مرغ سحر

مرتضی عطایی

رفت، شاهد بودیم که اساساً مردم عادی تنها قدرشناسان هنر ایشان بودند و سیاستون و رسانه‌های وابسته سر سوزنی از درگذشت ایشان به واقع متأسف نبودند. شاید اظهار نظرهای سیاسی وی را دلیل مکفی برای زیر پا نهادن انصاف و زیر سوال بردن توانمندی‌های ایشان در حیطه‌ی موسیقی می‌دانستند؛ اما با این حال این مردم بودند که جبران بی‌مهری ساسیت‌مداران را نموده و احترامی که وی لایق آن بود، به معرض نمایش گذارند.

استاد محمدرضا شجریان، خسروی آواز ایران، پس از تحمل سال‌ها بیماری سرطان در ۱۷ مهرماه ۹۹، در سن ۸۰ سالگی درگذشت. پیکر ایشان با بدرقه‌ی خیل عظیمی از دوستانان تشییع و در طوس به خاک سپرده شد.

شاید به ندرت بتوان صدایی همچون شجریان و نوایی همچون رینا سراغ گرفت که قطع به یقین، همه‌ی مردم شنیده باشند؛ صدایی تحسین‌برانگیز که حتی در بحبوحه‌ی ی تفرقه، یاریگر اتحاد و انسجام یک ملت بوده است. شجریان گذشته از تمام خاطراتی که برای ایرانیان رقم زد، همواره آبرودار موسیقی این سرزمین در جهان بوده است. وی را به جرات می‌توان پرچمدار موسیقی ایران در چند دهه‌ی گذشته دانست. مسلماً درگذشت ایشان بزرگترین خسران هنر این سرزمین در صد سال اخیر بوده است.

تا پیش از یک دهه اخیر، استاد شجریان خویش را وقف موسیقی و هنر این سرزمین کرده بود اما انتخابات ۸۸ و حوادث متعاقب آن را می‌توان نقطه عطفی در زندگی سیاسی و هنری ایشان دانست. در گیر و دار حوادث پس از انتخابات و حواشی پیش آمده، ایشان با اظهار نظرهای سیاسی به طرفداری از معترضین پرداخته و اقدامات حکومت در جهت سرکوب اعتراضات را به شدت محکوم کردند. ترانه‌ی "تفنگت را زمین بگذار" به وضوح خط مشی ایشان را من باب حوادث وقت، تشریح می‌نماید. استاد شجریان در مخالفت با دولت مستتقر به فعالیت‌های مذکور اکتفا نکرده و رسماً سازمان صدا و سیما را از پخش آوازهای خویش، به استثناء دعای رینا، منع نمود. البته سازمان صدا و سیما نیز از خداخواسته، تمامی آوازهای ایشان، متشکل بر دعای رینا را از کندانکتور پخش برنامه‌ها حذف نمود. این پایانی بر فعالیت‌های استاد شجریان نبود و وی در ده سال گذشته بارها با شبکه‌های تلویزیونی بین‌المللی در رابطه با انتخابات، اعتراضات پس از آن و ... مصاحبه داشت.

ذکر مطالب فوق جهت درک جو به وجود آمده در ماه‌های پس از درگذشت ایشان لازم به نظر می‌رسید. همانطور که انتظار می‌



## در مسیر نژاد پرستی

مرتضی عطایی

قلمروی آلمان بین سال‌های ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۴ به عنوان رایش دوم شناخته می‌شود.

در سال ۱۹۱۴ ولیعهد امپراتوری اتریش-مجارستان به همراه همسر خود در ساریوو (جنوب غربی امپراتوری اتریش-مجارستان) توسط یک صربستانی ترور شد و این دست‌آویزی بود برای امپراتور اتریش-مجارستان که از شر دشمن دیرینه خود یعنی صربستان خلاص شود. با اعلان جنگ امپراتوری اتریش-مجارستان به صربستان عملاً جنگ جهانی اول آغاز شد.

نیکلای دوم، تزار مقتدر روسیه به دلیل داشتن پیمان اتحاد با صربستان، به امپراتوری اتریش-مجارستان اعلان جنگ داده و ۵ میلیون روسی را روانه مرزهای امپراتوری اتریش-مجارستان کرد. در پی مداخله روسیه، ویلهم دوم نیز بر مبنای اتحاد خود با امپراتوری اتریش-مجارستان، سربازان خود را راهی مرزهای امپراتوری عموزاده‌ی خود، نیکلای دوم کرد.

پس از مدت کوتاهی آلمان از فرصت پیش آمده استفاده کرد و به فرانسه، دشمن قدیمی خود، اعلان جنگ داد. البته لازم به ذکر است که بلژیک قربانی خصومت آلمان و فرانسه شد و حجم زیادی از روباوری‌های آلمان و متفقین در مرز بین بلژیک و فرانسه صورت گرفت.

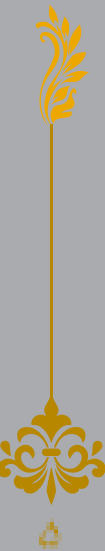
در سال ۱۹۱۷ مردم روسیه به سبب شکست‌های سنگین و خسارات وارده از جبهه غربی (آلمان) و جبهه جنوب (امپراتوری عثمانی) علیه تزار شوریده و وی را مجبور به استعفا کردند. نیکلای دوم از عموزاده‌ی خود، جورج پنجم امپراتور بریتانیا، تقاضای پناهندگی خود، همسرش، چهار دختر و پسر هموفیلی‌اش را نمود که جورج پنجم (پدر بزرگ ملکه الیزابت دوم) به دلیل ترس از تسری انقلاب روسیه به بریتانیا از قبول آن‌ها سر باز زد. جانشین تزار، همچنان معتقد به ادامه حضور روسیه در جناح متفقین بود، از این رو طی هماهنگی صورت گرفته از سوی لودندورف (فرمانده قوای آلمان)، ویلادیمییر ایلچ اولیانوف (لنین)، مخالف نظام سرنگون شده تزار که تبعید خود را در سوئیس می‌گذراند، به

مدتی پیش، در پی طراحی کاریکاتوری از رسول اکرم (ص) در فرانسه و متعاقباً اعتراضات صورت گرفته نسبت به آن، دوباره شاهد نفی هولوکاست از سوی مقامات بودیم. سخنانی که اساس و ماهیت حوادث و تراژدی‌های رخ داده برای یهودیان، کولی‌ها و اسلاوها در طول جنگ جهانی دوم را زیر سوال می‌برد. ایراد این سخنان را دست‌آویزی قرار دادم تا در این سلسله مقالات به بررسی اجمالی حوادث رخ داده در نیمه اول سده بیستم، حول محوریت هولوکاست، بپردازم.

برای درک درست از علل آغاز جنگ جهانی دوم و نسل‌کشی‌ها و قتل‌عام‌های متعاقب آن، لازم است ابتدا نگاهی به تاریخ ملت آلمان و سرنوشت آن‌ها در ۵۰ سال پیش از جنگ جهانی دوم بیندازیم.

قرن هفدهم را می‌توان خونین‌ترین دوران در تاریخ اروپا دانست. با ظهور مارتین لوتر و بروز تششستت آرا در دین مسیحیت، اروپا ۳۰ سال از نیمه‌ی اول قرن را درگیر شدیدترین جنگ‌های مذهبی بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها بود. مسلمانان دلیل اصلی بروز تخاصمات مذکور، تجمع مرجعیت پاسداری از دین و کشورداری در حکمرانان اراضی اروپا بود. در نهایت در سال ۱۶۴۸ رهبران اروپا به استثنای لهستان و انگلستان، گرد هم آمدند و پیمان صلح وستفالی منعقد گردید. بر اساس این پیمان، عملاً دین از سیاست جدا شد؛ چنین پیمان یقیناً به سود واتیکان نبود و سبب شد پاپ قدرت مداخله‌ای خود را در اروپا از دست بدهد. در این زمان، کشوری که امروزه به عنوان آلمان می‌شناسیم، بخشی از امپراتوری مقدس روم (رایش اول) و یکی از طرف‌های پیمان وستفالی بود. البته پیمان صلح وستفالی دوام چندانی نداشت و معروف‌ترین نقض آن نیز توسط ناپلئون بناپارت امپراتور فرانسه در سال‌های ۱۷۹۵ تا ۱۸۱۵ صورت گرفت.

پس از دو قرن بیسمارک ملقب به صداعظم آهنین موفق شد پس از یک سلسله جنگ‌های پراکنده در اروپا و ایجاد یک اتحاد مثال‌زدنی در میان ساکنین آلمان کنونی، دولت-ملت آلمان را به وجود آورد. ویلهم اول در سال ۱۸۷۱ در کاخ ورسای به عنوان امپراتور آلمان تاجگذاری نمود و امروزه





معروف به لورنس موفق شد امپراتوری عثمانی را از بین ببرد. و در نهایت سوریه و لبنان به فرانسه رسید و بریتانیا کشور عراق را تاسیس کرد.

در طول جنگ از جبهه متفقین ژاپن از فرصت استفاده کرده و به مستعمره قدیمی آلمان یعنی چین یورش برد و فرانسه، ایتالیا و بریتانیا مستعمرات آلمان در آفریقا را تحت سلطه قرار دادند.

آمریکا (ریاست جمهوری ویلسون) آخرین کشوری بود که در جنگ مداخله کرد. قوای تازه نفس آمریکا موفق به تحمیل شکست بر آلمان شدند و همین عافیت طلبی آمریکا سبب شد با کمترین تلفات به عنوان تاثیر گذارترین کشور در میز مذاکرات پس از جنگ در ورسای حاضر شود.

در ساعت ۱۱، روز یازدهمین روز یازدهمین ماه سال ۱۹۱۸ آلمان پیمان آتش بس را امضا نمود و ویلهلم دوم، قیصر آلمان، استعفا داد.

روسیه بازگشت و قدرت را در دست گرفت. لنین مخالف حضور روسیه و تحمل تلفات و خسارات در جنگی امپریالیستی بود، بنابراین روسیه از جنگ کناره گیری کرد و کشور اتحاد جماهیر شوروی را پایه گذاری نمود.

امپراتوری عثمانی حین حمله به روسیه در تلاش برای عبور از قفقاز متحمل خسارات جبران ناپذیری شد؛ از این روانور پاشا، همه کاره‌ی دولت عثمانی ارمنی‌های ساکن در امپراتوری را مقصر قلمداد کرده و دستور نسل کشی و تبعید اجباری آن‌ها را صادر کرد. این اقدامات منجر به کشته شدن بیش از ۱.۵ میلیون ارمنی شد. فرانسه (شامل سنگال، الجزیره و ...)، بریتانیا (شامل استرالیا، کانادا و ...) و ایتالیا جهت مقابله با پیشروی‌های امپراتوری عثمانی در جبهه غربی، تلاش‌های نافرجام بسیاری برای عبور و تسلط بر تنگه داردانل داشتند؛ در نهایت ناامیدانه از این رویکرد، فیصل ولیعهد عربستان را برای اعلان جنگ به امپراتوری عثمانی ترغیب کردند. فیصل با مشاوره عامل اطلاعات انگلیسی



## قره‌باغ؛ دست‌آویزی برای یک ادعا

کلیه نرگس جعفری

تاکید واقع شد.

گرچه موضع ایران موضع چندان قدرتمندی نبود اما می‌توان گفت در جهت حفظ پایداری و ثبات در منطقه بوده است؛ با این حال ایران به عنوان کشوری که بیشترین مرز و تاریخ مشترک را در منطقه دارد، می‌توانست موضع قاطعانه‌تری در جهت پایان دادن به این مناقشات طولانی مدت، چه از نظر مطالبه‌ی حقوق تضییع‌شده‌ی خود در منطقه و چه از منظر میانجی‌گری میان طرفین درگیری داشته باشد.

نکته‌ی قابل تامل درباره‌ی جنگ قره‌باغ، تبلیغات برنامه‌ریزی شده و وسیع ضد‌مهمبستگی و معارض با تمامیت ارضی ایران است که از سوی دولت‌های درگیر جنگ به ویژه ترکیه پشتیبانی می‌شود. با این وجود که این رویه سال‌هاست وجود داشته، اما در جریان جنگ اخیر پررنگ‌تر گشته است. دولت باکو در راستای برانگیختن هیجانات ملت آذری زبان ایران از موضوعاتی چون آزادسازی اراضی شیعه و نیز زبان مشترک استفاده می‌کند. این ادعاها در حالی مطرح می‌شوند که شیعیان آذری به واسطه مذهب دینی خود در جمهوری آذربایجان تحت فشار هستند و از سویی دیگر ادعای سرزمین مشترک تنها تحریف و جعل تاریخ از سوی دولت باکو بیش نیست. اگر به تاریخ معاصر نگاهی بیندازیم، در می‌یابیم که منطقه قره‌باغ طی معاهده‌ی ننگین گلستان و ترکمنچای و طی بی‌کفایتی حکومت وقت و برخلاف رای مردم از ایران جدا شد. پیش از آن نیز در دوره‌های پیشتر تا سالیان دراز، این منطقه بخشی از ایران بوده و هویت و فرهنگ مشترک گواهی بر این ادعاست. بنابراین

هر چند مدت یکبار منطقه‌ی قره‌باغ در شمال رود ارس تبدیل به محلی برای درگیری میان قدرت‌های منطقه و همراه با موضع‌گیری برخی کشورهای خارجی می‌شود تا بلکه هر یک بتوانند سهم و امتیازاتی از این منطقه‌ی راهبردی داشته باشند. مهرماه امسال نیز درگیری بار دیگر میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان و البته دولت‌های دیگر به طرفداری از این دو رخ داد و آغازی بود برای یک جنگ فرسایشی. این جنگ با حمله‌ی جمهوری آذربایجان به ارمنستان آغاز شد و در نهایت (تا زمان پایان نگارش این نوشتار) با توافق آتش‌بس میان طرفین ظاهراً به پایان رسید. در این نوشتار قصد دارم نگاهی کوتاه به موضع ایران و واکنش‌های طرفین درگیر داشته باشیم.

سعید خطیب‌زاده سخنگوی وزارت خارجه ایران در خصوص مناقشه قره‌باغ اعلام کرد: "ایران از جمله کشورهایی است که با طرف‌های درگیر روابط خوبی دارد. ما از این منظر تلاش کرده‌ایم که هم به صورت دوجانبه، هم با باکو و هم با ایروان و همچنین با دیگر کنشگران منطقه‌ای ارتباط داشته باشیم. امیدوارم که هر چه زودتر بتوانیم به جنگ پایان دهیم، که هم تمامیت ارضی آذربایجان حفظ شود و هم اینکه مناطق اشغالی تخلیه شوند." اما خطیب‌زاده این مسئله را روشن کرد که ایران نمی‌تواند درگیری در مرزهای خود به ویژه تعرض به خاک خود را تحمل کند و آن را از خطوط قرمز خود می‌داند.

همانطور که دیدیم ایران از همان روزهای ابتدایی سعی در اتخاذ موضعی بیطرفانه بود و بر حل مسأله از طریق گفتگو تأکید داشت. این موضع بارها از سوی مقامات بلندپایه نظام نیز مورد





از نقطه نظر تاریخی آنچه که به روشنی قابل نفی است، ادعای بی-اساس دولت باکو است و ایران من باب مباحث تاریخی منطقه سخن بسیاری برای گفتن دارد.

دلیل دیگری که سبب اشاعه مباحث خلاف واقع توسط کشورهای نوظهور منطقه شده است، بحث نبود آموزش و آگاهی بخشی دقیق، چه در داخل و چه در خارج از ایران می باشد. خلا آموزش صحیح سبب یکه تازی تاریخی تحریف شده، در ایران و منطقه شده است و صرفاً همزبانی ملت آذربایجانی ایران با ملل ترکیه و جمهوری آذربایجان بسیاری را قانع کرده که وابستگی به ترکیه یا آذربایجان امری مستدل و منطقی است.

جنگ چالدران از جمله مصادیق اثبات حقانیت ایران در مسائل مربوط به اراضی منطقه است. این جنگ در سال ۱۵۱۴ میلادی از سوی امپراطوری عثمانی علیه شاهنشاهی ایران صورت گرفته و امپراطوری عثمانی پیروز میدان شده است. شرح وقایع حمله، قتل عام و غارت عثمانیان در تبریز و تبدیل آن به ویرانه های بزرگ حتی در کلام مورخان عثمانی نیز آمده است. بنابراین امپراطوری عثمانی در طول تاریخ، از گذشته تا به امروز (ترکیه کنونی) سعی در تخریب هویت و فرهنگ ایرانی داشته و در دوره های معاصر از حربه های برانگیختن احساسات همزبانان خود در ایران بهره می برد.

در این میان نقش کشش ————— و راهی همچون روسیه را در جریان این منازعات نباید دست کم گرفت. شاید بتوان گفت که دخالت جدی

روسیه در منطقه از زمانی آغاز شد که دولت ارمنستان در سال ۱۷۱۸ میلادی در نامه های خطاب به تزار روس پیشنهاد تحت الحمايه قرار گرفتن مناطق ماوراء قفقاز را مطرح کرد. این تصمیم سیاسی با این اعتقاد گرفته شد که تحت حمایت روسیه، ارمنستان دیگر کارزار جنگ های ایران و عثمانی نخواهد شد. دربار روس نه تنها پیشنهاد امیران ارمنی را با طیب خاطر پذیرفت، بلکه قصدش را مبنی بر اعاده دولت مستقل مسیحی ارمنی بر پایه های امیرنشین های قره باغ اعلام کرد. قولی که روسیه آن را به منظور تحت سلطه گرفتن ارمنستان به زودی زیر پا گذاشته و در سال ۱۸۲۸ میلادی طی عهدنامه ی ننگین ترکمنچای تمامی ماوراء قفقاز را تحت سیطره خویش درآورد. برای روسیه ضرورت داشت تا قره باغ را از زیر نفوذ فرهنگی و سیاسی ایران که قرن های متمادی در آن حضور داشت در بیاورد. از این رو بر مردمان ترک زبان، که در راستای کسب برتری در منطقه با ایرانیان رقابت داشتند، تکیه کرد.

همانطور که دیدیم، پیشینه ی حقیقی قره باغ نه به آذربایجان و ارمنستان و نه دیگر بازیگران خارج از صحنه، بلکه به کشور ایران می رسد. موضوعی که کشورهای درگیر به آن توجهی نداشته و برخلاف اصل حفظ تمامیت ارضی حقوق بین الملل در تلاش برای همگام کردن مردم در ایران و ایجاد چنددستگی هستند.



وجود آورد که همگی رویایی یکسان دارند. شاید این اتحاد و یک‌دستی چهره‌ای زیبا و فریبنده داشته باشد اما نتایج آن می‌تواند همچون جنگ جهانی ویرانگر باشد. اما همه‌ی این سخنان برای بسیاری از مردم اظہر من الشمس به نظر می‌رسند و تقابل با ظهور حکومت‌ها و جوامع خواستار حکومت‌های دیکتاتوری را بدیهی می‌پندارند و همانطور در ابتدا گفتیم، خود را به غایت صاحب نظر و متفکر می‌دانیم و سرسوزنی قائل به اقرار جهل و ضعف خویش نیستیم.

این چالش که ظهور یک دیکتاتوری در یک جامعه‌ی نسبتاً فرهیخته و تحصیل کرده ممکن است به آسانی رخ دهد و تبعات وحشتناکی به بار آورد، ماموریتی بود که رایتر و نگر، معلم دبیرستانی در آلمان، به عهده گرفت. رایتر تصمیم می‌گیرد برای آشنا کردن دانش‌آموزان خود با پدیده‌ی دیکتاتوری و نحوه‌ی ظهور آن یک آزمایش طراحی کند. واکنش دانش‌آموزان به تفکرات القائی از سوی معلم و نسبت مخالفین و موافقین آن‌ها، به میزان زیادی به واکنش جوامع امروزی در برابر تفکرات القائی از سوی رهبران‌شان شباهت دارد.

شاید شروع یک جریان با شخص واحدی باشد اما مسلماً مسیر حرکت جریان و حد و مرزهای آن چیزی نخواهد بود که رهبر جریان آن را تبیین کند و این مریدان و پیروان جریانات هستند که حد و مرزهای آن را تعیین می‌کنند. دیدن این فیلم مسلماً نقطه‌ی آغاز خوبی برای آشنایی با نحوه‌ی به قدرت رسیدن حکومت‌های دیکتاتوری می‌باشد و می‌تواند پیش‌زمینه‌ی مناسبی جهت مطالعه‌ی مقاله‌ی دوم از سلسله مقالات هولوکاست (در نسخه‌ی آتی نشریه) فراهم کند.

چه میزان خود را انسان فرهیخته‌ای می‌دانید؟ و یا فکر می‌کنید چقدر در برابر احساسات هیجانی جامعه‌ی مقاوم هستید؟ واقعا گمان می‌کنید تفکرات و عقایدتان بدون تاثیر جریانات زودگذر جامعه‌ی شکل گرفته است؟

مسئله اکثریت‌مان به این سوال‌ها جواب‌های قاطع می‌دهیم؛ ما انسان‌های اهل مطالعه و با فرهنگی هستیم که تحت تاثیر جریانات زودگذر و سطحی جامعه قرار نمی‌گیریم. حال این جریانات می‌توانند ماهیت فرهنگی، مذهبی و یا سیاسی باشند. واقعیت این است که ما به ندرت قادر به تفکیک تفکرات القائی از تفکرات درون‌زاد هستیم. هنگامی که با نگرش و تفکری جدید آشنا می‌شویم، به صرف جذابیت و یا منطق سطحی آن، برچسب پسندیدم به آن زده و از آن پیروی می‌کنیم.

در همین شماره‌ی نشریه، مرقومه‌ای با عنوان آلمان در مسیر نژادپرستی به عنوان مقاله‌ی اول از سلسله مقالات هولوکاست به رشته‌ی تحریر درآمده که به بررسی اجمالی رویدادهای سال ۱۸۸۰ تا ۱۹۱۸ در اروپا می‌پردازد. هدف از آن مرقومه، بیان شرایط زمینه‌ای (جغرافیایی، سیاسی و نظامی) آلمان در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم و پیش از فجایع هولوکاست می‌باشد. در ادامه‌ی آن مرقومه، می‌رسیم به جایی که به تدریج هیتلر به عنوان یک شخصیت سیاسی سر بر آورده و در صدد برپایی حکومت دیکتاتوری خویش بر می‌آید. امروزه حکومت‌های دیکتاتوری و استبدادی به عنوان شریرترین حکومت‌ها شناخته می‌شوند و قریب به اتفاق جهانیان معتقدند تفکرات منجر به دیکتاتوری به بن‌بست رسیده و دیگر کاری از پیش نمی‌برند. دیگر ممکن نیست فردی هیتلروارانه از راه برسد و ملت-دولتی یک‌دست و متحد به





# سربازی

کعبه سروش منصوری

## سربازی، خدمت مقدس یا برده‌داری نوین؟

سربازی دوره‌ای تقریباً دو ساله و اجباریست که جرم مشترک مضمولین آن پسر بودن می‌باشد.

اگر شما در کشور ایران پسر به دنیا بیایید بعد از اتمام ۱۸ سالگی خود، با قوانین تامل‌برانگیزی روبه‌رو خواهید شد. عدم حق انجام معاملات رسمی، منع دریافت هرگونه وام بانکی، منع دریافت هرگونه مجوز کسب و کار، عدم استخدام و به کارگیری در ادارات، دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی و ممنوع‌الخروج بودن.

آری، تمامی حقوق ذکر شده از یک پسر بالغ سلب خواهد شد تا زمانی که دو سال از بهترین و سرنوشت‌سازترین سال‌های عمر خود را در راه وطن خدمت کند.

## تاریخچه

نظام خدمت وظیفه یا سربازی اجباری از عصر ناپلئون در قرن هجدهم میلادی در جهان رایج شد. نیاز دولت‌ها به نیروی مردمی رایگان در بخش نظامی و همزمان با شکل‌گیری ارتش‌های مدرن در جهان، قانون سربازی اجباری را شکل داد.

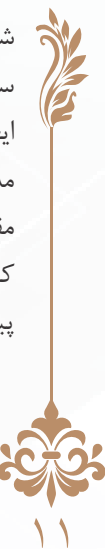
خدمت سربازی در ایران در قانون بنیچه ریشه دارد. بنیچه به طور خلاصه نوع خاصی از سربازگیری در ازای مالیات می‌باشد که ظاهراً از دوران ایلخانان در ایران مرسوم بوده. تا دوران سلطنت ناصرالدین شاه، عضویت در ارتش به دو صورت اختیاری و اجباری صورت می‌گرفت اما امیرکبیر سربازی داوطلبانه را لغو و بر پایه قانون بنیچه، استخدام سربازان را اجباری نمود. پس از آن در سال ۱۳۰۳ رضاشاه پهلوی لایحه‌ی خدمت اجباری را به مجلس شورای ملی ارائه کرد و علی‌رغم مخالفت روحانیون و مالکان بزرگ در ۱۳۰۴ تصویب شد.

سربازی اجباری در دوران رضاشاه پهلوی به منظور ایجاد ارتش مدرن برای کشور و در راستای مدرنیزاسیون صورت گرفت و می‌توان گفت در آن مقطع این مدل از سربازی و تشکیل ارتش، برای کشور امری ضروری و مفید بود. اما با گذشت زمان و پیشرفت کشور در ابعاد مختلف، وقت آن رسیده که

در بعضی از قوانین بازنگری‌هایی صورت گیرد و قوانین بر اساس شرایط روز و مصالح ملت بازنویسی شوند. در این مقاله سعی داریم که از دیدگاه‌های مختلف، به موضوع خدمت وظیفه عمومی یا همان سربازی و پیامدهای ناشی از آن بپردازیم.

## اجتماعی-فرهنگی

در کشور ما سن ۱۸ سالگی دارای اهمیت ویژه‌ای برای افراد است، زیرا در این سن فرد تحصیلات پایه‌ی خود را تمام کرده و از دوران نوجوانی به دوران جوانی وارد می‌شود و از لحاظ قانونی و اجتماعی شخصی بالغ محسوب می‌شود که اختیار و توانایی لازم برای تصمیم‌گیری و انجام هر کاری را به طور مستقل دارد. در سنین جوانی پسران به طور غریزی تمایل دارند که از لحاظ اقتصادی از خانواده مستقل شوند. در همین حال کشش‌ها به سمت جنس مخالف افزایش یافته و نیاز به ازدواج و ارضاء نیازهای جنسی بیشتر حس می‌شود. این دو غریزه و سایر نیازها در فرد سبب می‌شود که جوان تصمیماتی برای آینده‌ی خود اتخاذ کند. اما قبل از هر تصمیمی، سربازی را مانع و سدی در مقابل خود می‌بیند. در چنین شرایطی افراد به سه گروه تقسیم می‌شوند:



- افرادی که از رفتن به سربازی سر باز می‌زنند و برای همیشه قید امتیازات ناشی از آن را می‌زنند.
- افرادی که به ادامه‌ی تحصیل مشغول می‌شوند. این افراد عملاً خدمت سربازی خود را به تعویق می‌اندازند و پس از فارغ‌التحصیلی، پیش از آنکه دغدغه‌ی یافتن کار و ایجاد شغل را داشته باشند، باید ابتدا به خدمت سربازی بروند و این یعنی ایجاد فاصله‌ای دو ساله میان دوران تحصیل و کاریابی که دقیقاً تاثیر مستقیمی بر بیکاری و ناکارآمدی اقتصادی فرد دارد.
- افرادی که علی‌رغم میل باطنی خود، به سربازی می‌روند.

از جمله دلایلی که افراد از رفتن به سربازی امتناع کرده و نسبت به آن حس خوبی ندارند، این است که متأسفانه سربازان دارای جایگاه اجتماعی خوبی نبوده و گاهی با سربازان در پادگان‌ها برخورد‌های نامناسبی صورت می‌گیرد، از سوی دیگر گماردن سربازها به کارهای ساده و عموماً بیهوده سبب شده که عمده‌ی افراد بر این باورند که در سربازی عمرشان تلف شده است. مجموع این عوامل موجب احساس سرخوردگی و تحقیر در این افراد می‌شود که اثرات سوء در سلامت روان آنان دارد.

از سایر ابعاد اجتماعی نیز به سربازی ایراداتی وارد است:

تعویق ازدواج: حتی اگر از تاثیر سربازی بر شغلیابی و سایر مسائل چشم‌پوشی کنیم، خود مقوله سربازی حداقل دو سال ازدواج را به تعویق می‌اندازد زیرا کمتر افرادی در جامعه کنونی یافت می‌شوند که بدون حل مشکل سربازی اقدام به ازدواج کنند.

اعتیاد: طبق آمار منتشر شده از یک پژوهش توسط دانشگاه علوم پزشکی تهران، اعلام شد که ۵ درصد از معتادان در طول دوره خدمت سربازی به دام اعتیاد افتاده‌اند.

خودکشی: طبق پژوهش انجام شده توسط دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، ۱۵ درصد از افراد در سربازی تجربه‌ی فکر کردن به خودکشی را دارند. متأسفانه آمار دقیقی از میزان خودکشی افراد در دوره‌ی سربازی موجود نیست.

تجاوز جنسی: با بررسی اظهارات سربازان متوجه می‌شویم که متأسفانه عده‌ای از افراد در سربازی مورد آزار و اذیت جنسی واقع می‌شوند که جو خاص موجود در محیط پادگان‌ها امکان رسیدگی و پیگیری این قبیل مسائل را نداده و قربانیان غالباً سکوت می‌کنند. آمار دقیقی از این آسیب اجتماعی در سربازی موجود نمی‌باشد.

شکاف طبقاتی: سربازی اصولاً یک نوع مالیات است که متأسفانه مطالعات نشان می‌دهد طبقات پایین جامعه و خانواده‌های دارای فرزند بیشتر، این نوع مالیات را بیشتر می‌پردازند. از طرفی در خانواده‌های نیازمند، پسر جوان خانواده می‌تواند نقش موثری در رفع نیازهای مالی خانواده داشته باشد اما خدمت سربازی به مدت تقریباً دو سال، خانواده را از داشتن نیروی کار جوان محروم می‌سازد.

## اقتصادی

جوانان هر کشوری، نیروی پیشران و موتور توسعه و پیشرفت آن کشور هستند. اگر کشوری بتواند از این نیروی خلاق و پرانرژی استفاده درست داشته باشد، قطعاً در زمینه‌های مختلف پیشرفت خواهد کرد.

از طرفی پایه‌های اقتصادی زندگی هر فردی در دوران جوانی آن فرد بنا می‌شود و اگر فرد در سنین جوانی از لحاظ اقتصادی، تصمیم‌گیری و شروع مناسبی نداشته باشد، احتمال موفقیت اقتصادی آن فرد در سایر مراحل زندگی اندک است. با این اوصاف در کشور ما، جوانان دو سال از این سال‌های حساس عمر خود را در پادگان‌ها، به دور از علم روز و تکنولوژی‌های مدرن گذرانده و مشغول کارهایی سطحی نظیر رانندگی، نگهبانی و کمک آشپزی و ... هستند. در صورتی که ممکن است همین افراد می‌توانستند در عرصه‌های اقتصادی و بازارهای مالی موفق بوده و به سهم خود در چرخه‌ی اقتصادی کشور نقش مثبت ایفا کنند.

علاوه بر مطالب گفته شده هزینه‌های اقتصادی صرف شده برای سربازی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در سال ۱۹۹۸ سازمان ملی حسابرسی آمریکا در گزارشی اعلام کرد که هزینه‌های سربازگیری حرفه‌ای در آمریکا، کمتر از هزینه‌های سربازی اجباری رایگان بوده است. چرا که سربازان اجباری در دوره‌های کوتاه مدت در اختیار ارتش هستند و ارتش هزینه‌های زیاد آموزش را پرداخت می‌کند ولی به دلیل رایگان بودن آن، استفاده‌ی بهینه‌ای از این افراد صورت نمی‌گیرد.

رایگان (کم هزینه) بودن سرباز در ایران سبب شده که ستاد کل نیروهای مسلح ارزیابی دقیقی از نیاز خود به سرباز در کشور را نداشته باشد و ما شاهد آن هستیم که حتی با وجود کم شدن شدید تعداد سربازان، ستاد کل نیروهای مسلح احساس خطری در این زمینه نکرده؛ این قضیه گویای آن است که در مواقعی مازاد بر نیاز کشور سرباز در اختیار نیروهای مسلح قرار گرفته که نتیجه‌ای جز به کارگیری بدون دلیل و خارج از نیاز در زمینه‌های مختلف به همراه نداشته است.

## حقوقی

طبق قوانین خدمت وظیفه عمومی، حقوق ماهیانه هر سرباز، باید معادل ۶۰-۹۰ درصد حقوق کادر نیروی مسلح هم‌تراز خود باشد و همچنین تسهیلاتی برای استفاده رایگان از قطار، اتوبوس، ورزشگاه، موزه و سینماها و... پیش‌بینی شده است که متأسفانه هیچکدام از موارد فوق تاکنون اجرایی نشده است و ما همچنان شاهد حقوق حداقلی سربازان می‌باشیم.

## شرعی و فقهی

عده‌ای از علماء و متدینین معتقدند که ایراداتی شرعی بر خدمت وظیفه‌ی عمومی وارد است. از لحاظ شرعی مشارکت در حفظ

ای و مقتدر معطوف نموده‌اند و از این طریق توانسته‌اند که قدرت و کارایی نیروهای مسلح خود را افزایش دهند. امروزه جنگ‌ها از حالت سنتی و مبتنی بر نفر بودن خارج شده و پیاده نظام‌ها نقش کمرنگی در جنگ‌های روز دنیا دارند. از همین رو نمی‌توان توقع زیادی از نیروهای سرباز اجباری داشت.

### امنیتی

سربازی موضوعی است که به طور مستقیم حداقل با نیمی از جمعیت کشور ارتباط دارد و هر شخص مذکر در کشور، چند سالی را درگیر اصل و حواشی سربازی بوده است. در زمینه ایجاد حس نارضایتی عمومی هیچ نهاد و قانونی توانایی رقابت با سربازی را ندارد و سربازی و ستاد کل نیروهای مسلح از بزرگترین سازمان‌های معترض‌ساز، برای کشور به حساب می‌آیند. انباشت این حجم از نارضایتی و عقده فروخورده در پادگان‌ها هشداردهنده بوده و از لحاظ امنیتی خطرناک است. ارتش سبده قره‌باغی از فرماندهان ارشد ارتش حکومت پهلوی در جایی بیان می‌کند که: "فتوای آقای خمینی مبنی بر فرار سربازان از سربازخانه‌ها، سبب ازدیاد روز افزون فرار پرسنل نیروهای مسلح به خصوص پرسنل وظیفه شد و این وضع به حدی بود که قدرت مقاومت نیروهای مسلح را از آنان سلب کرد."

### کلام آخر

در طول تاریخ هیچگاه حکومت‌ها به طور داوطلبانه دست از منابع مالی و انسانی رایگان خود برنداشته و همواره در مقابل تغییر قوانین به ظاهر بر ضرر خود مقاومت کرده‌اند، از این رو می‌طلبند که مردم در مقابل قوانین زیان‌باری چون سربازی با هم متحد شده و یک صدا تغییر این قوانین استثماری را از نمایندگان خود طلب کنند.

امنیت کشور، واجب کفایی است و نه واجب عینی. پس آموزش نظامی (سربازی) که در حکم آمادگی برای حفظ امنیت می‌باشد، نمی‌تواند بر همه واجب باشد. مقدمات امری که خود واجب کفایی است، نمی‌تواند واجب عینی باشد. از طرفی در امور مربوط به واجبات کفایی، فرد می‌تواند با پرداخت پول به شخصی، او را برای انجام این تکالیف به کار گیرد. حدیثی از امام علی (ع) داریم که از بردن افراد به جنگ، به صورت اجباری منع کرده است.

### نظامی

کشورها برای حفظ نظم و امنیت و مقابله با تهدیدات خارجی نیازمند نیروهای مسلح هستند. در کشور ما بخشی از این نیرو، توسط سربازان تامین می‌شود. از این رو نیاز است تا سربازان تحت آموزش نظامی کافی قرار گرفته و برای مقابله با تهدیدات احتمالی، آماده باشند.

در کشوری چون ایران که بخش قابل توجهی از نیروی زمینی آن را سربازان تشکیل می‌دهند، آموزش نظامی کافی، اهمیت بیشتری دارد و اگر سربازان سطح کارایی پایینی داشته باشند، قطعاً عملکرد نیروهای مسلح در مقابل تهدیدات، ضعیف خواهد بود.

علی‌رغم دغدغه‌های موجود مبنی بر آموزش نظامی کافی و مناسب سربازان، متأسفانه شاهدیم که سربازان در طول دوره آموزش ساعات زیادی را درگیر آموزش‌های عقیدتی-مذهبی هستند و کمتر به جنبه‌های آموزش نظامی پرداخته می‌شود. به همین دلیل است که متأسفانه آمار تلفات سربازان در درگیری‌های صورت گرفته با اشراک و دشمنان بالا می‌باشد.

اگر به ارتش‌های قدرتمند و نوین جهان بنگرید، خواهید دید که حداقل در میان ده ارتش برتر جهان، خبری از سربازی اجباری نبوده و کشورها تمرکز خود را بر تشکیل یک نیروی حرفه-



# کپشن؟؟؟



m.atayi6722@gmail.com

 @NarcissusJ

 @Sha\_nz

✓ با ارسال کپشن خود به آیدی‌های مقابل در مسابقه

کپشن نویسی شرکت نمایید.

✓ از کپشن برتر با اهدا کارت هدیه ۵۰ هزار تومانی تقدیر شده و

سه کپشن برتر در نسخه آتی نشریه، در همین صفحه منتشر خواهند شد.

عکس شماره قبل نشریه ...

تا توانی دست‌ها گیر! دستهایت روزی محتاج  
گرفتن خواهد شد ... (آیدا عباسی)



وقتی پشم گوسفندان رو چیدم، دیدم همه  
گرگ بودند. (سروش منصوری)



و دست‌هایی که برای ملت، در خانه ملت  
برافراشته می‌شوند. (علی تن آسا)



# صندلی بی خاصیت

مرتضی عطایی

اساسی نادیده گرفته شد و مجلس شورای اسلامی به کلی از وظیفه قانون گذاری کنار گذاشته شد. البته در اصل ۱۱۲ قانون اساسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام می تواند مواردی را به سبب مصلحت نظام مقدم بر قانون اساسی قلمداد نماید، اما فی‌الذات ماهیت تمامی قوانین کشوری در راستای مصالح ملک و مملکت است و این استنباط از قانون آغازی است بر پایان نقش قانون گذاری مجلس شورای اسلامی در کشور.

شورای عالی امنیت ملی بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی شورای عالی امنیت ملی دارای حدودی از اختیارات قانون گذار است، مشروط به آن که ناقض قانون اساسی نباشد. از طرفی دیگر طبق اصل هشتماد و چهارم قانون اساسی نمایندگان مجلس شورای اسلامی می توانند درباره تمامی امور داخلی و خارجی اظهار نظر کنند. مرداد ماه ۹۸، الیاس حضرتی نماینده اصلاح طلب تهران در یک نشست خبری پیشنهادی مبنی بر مذاکره با آمریکا مطرح کرد و چند روز پس از آن خبر شکایت شورای عالی امنیت ملی از وی نیز توسط خودش علنی شد. البته این نخستین بار نبود که به دلیل اظهار نظر در امور خارجی، نماینده‌ای مورد شکایت قرار می‌گیرد؛ پیش از حضرتی، از حشمت‌الله فلاحت‌پیشه نیز به سبب اظهار نظرهایی در مورد مذاکره با آمریکا از طرف شورای عالی امنیت ملی شکایت شده بود. این شکایت‌ها از طرفی با اصل بیست و سوم قانون اساسی مبنی بر ممنوعیت مواخذه افراد با عقیده‌های متفاوت نیز در تعارض است. استناد این شورای عالی در شکایت‌های مذکور به مصوبه‌ی ممنوعیت مذاکره با آمریکا است که در همین شورا به تصویب رسیده است که اساساً ناقص اصل حق آزادی بیان می‌باشد.

شورای عالی انقلاب فرهنگی اساساً در قانون اساسی چیزی به نام شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود ندارد؛ این شورا صرفاً با هدف جلوگیری از اتخاذ تصمیمات صرفاً کارشناسانه و طبق اصل ۵۷ قانون اساسی تشکیل شده است. علی‌رغم اینکه وظیفه قانون گذاری عام بر عهده مجلس شورای اسلامی است، نهاد شورای عالی انقلاب فرهنگی عملاً حق وضع تمامی قوانین

قانون گذار کیست؟ شاید این سوال برای شخصی با دانش مختصر از نظام سیاسی خنده‌دار باشد، مسلماً باید قانون گذار مجلس قانون گذاری و در کشورمان مجلس شورای اسلامی باشد؛ اما این چندان منطبق بر واقعیت نیست. برای شروع بحث قانون گذاری و نظارت بر امور اجرایی در ایران به نظرم بهتر است تمامی تصورات خود از اصول تقسیم قوا طبق آنچه مونتسکیو ترسیم کرد و امروزه در کشورهای غربی (مانند فرانسه) شاهد هستیم به کل به فراموشی بسپارید، زیرا با سیستم جدیدی از کشورداری آشنا خواهید شد.

بر اساس اصل پنجاه و هشت قانون اساسی اعمال قوه مقننه (قانون گذار) بر عهده مجلس شورای اسلامی است. شاید این اصل به نظر گویا و واضح باشد اما تفاسیری از این اصل وجود دارد که منجر به یک فاجعه دموکراتیک شده است. از آنجایی که در اصل ۵۹ قانون اساسی، قانون گذاری می‌تواند از طریق همه‌پرسی انجام شود، اساساً هر نهادی که مافوق مجلس شورای اسلامی در امر قانون گذاری قرار گیرد به معنی قرارگیری مصوبات آن مافوق نتایج همه‌پرسی است. برای درک بهتر این موضوع با اشاره به چند مثال مطالبم را ادامه می‌دهم.

مجمع تشخیص مصلحت نظام اساساً برای مجمع تشخیص مصلحت نظام صلاحیت قانون گذاری در امور جاری کشور حتی در قانون نیز دیده نشده است و مجمع تنها در موارد اختلافی بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی می‌تواند با بررسی، نهایتاً نظر یکی از این نهادها را تأیید کند. در سال ۹۸ شاهد بیشترین کشمکش‌های سیاسی درباره‌ی تصویب لوایح FATF در مجلس و نیز مسائل مربوط به رد و تأیید آن در شورای نگهبان بودیم؛ در نهایت به دلیل عدم توافق مجلس و شورای نگهبان، لوایح جهت بررسی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده شد. تا اینجای کار مراتب طبق قانون است اما هنگامی که مجمع تشخیص مصلحت به صورت خودجوش اقدام به رای گیری در باب تصویب یا عدم تصویب این قوانین کرد تقریباً با کمی تسامح یک سوم قانون







شاید با تامل در شرح وظایف و نیز سابقه فعالیت نهادهای فوق‌الذکر بهتر بتوان علل ناتوانی و خمودگی مجلس شورای اسلامی را درک و تشریح کرد. اساساً سمبل دموکراسی کشور یعنی مجلس شورای اسلامی محدوده‌ای بی‌خاصیت را در امر قانون‌گذاری در اختیار داشته و تأثیر چندانی در روند امور فاندamental کشور ندارد. البته این زمانی است که نمایندگان حق دخالت در امور حدود اختیارات خود را داشته باشند؛ زیرا گاهی اوقات مصوباتی مانند مصوبه شورای عالی امنیت ملی در منع طرح بحث مذاکره با آمریکا، سبب محدود شدن هر چه پیشتر مجلس شورای اسلامی و نمایندگان آن می‌شود. در کل از چنین نهادی با این سطح از اختیارات قانونی و این سطح از محدودیت‌های غیراصولی انتظار بودن در راس امور چندان منطقی به نظر نمی‌رسد؛ همانطور که شاهد بودیم ضعف قانون اساسی نقش اصلی را در این بل‌بشوی سیاسی دارد. اصلاح قانون اساسی ناکارآمد اولین قدم تأثیرگذار در بهبود مناسبات سیاسی و امور مملکتی خواهد بود.

مربوط به آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور را تحت اختیار دارد. این شورای عالی فراتر از وظیفه‌ی ذاتی خود یعنی تعیین خط مشی امور فرهنگی کشور، تقریباً در تمامی قوانین فرهنگی کشور دخل و تصرف داشته است. تصمیمات اتخاذ شده توسط منتصبین این شورا مافوق قوانین عادی مصوب در مجلس شورای اسلامی بوده و بر همگان الزام‌آور است.

شورای عالی فضای مجازی میزان صلاحیت قانونی این شورا همانند شورای عالی انقلاب فرهنگی بر پایه اصل ۵۷ قانون اساسی بوده و صلاحیتی قائم به ذات ندارد. این شورا در سال ۱۳۹۰ تأسیس شد و ریاست آن بر عهده‌ی رئیس‌جمهور می‌باشد. مصوبات این شورای عالی نیز به سبب ذات تأسیس آن مافوق قوانین عادی کشور بوده و مجلس شورای اسلامی حق وضع قوانینی مغایر با مصوبات آن ندارد. لازم به ذکر است که مصوبات نهادهای مذکور (مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی) بدون نیاز به بررسی شورای نگهبان وارد مرحله اجرا می‌شوند.

# منشا انحراف

(قسمت سوم)

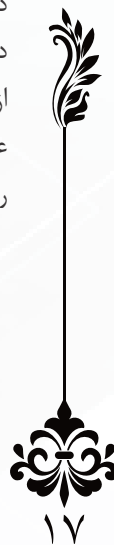
کتاب مرتضی عطایی

در بخش گذشته ذکر کردم که پاسخ به پرسش‌های پیش آمده، عالمان را بر آن داشت که به مرور زمان مسائل را از طریق رجوع به اصول قیاس و استحسان حل کنند. قیاس، به معنای مقایسه‌ی شرایط دو رخداد در گذشته و امروز و حکم صادره از سوی پیامبر در گذشته می‌باشد. از طرفی استحسان یعنی در صورتی که نسبت به مسئله‌ای دو حکم وجود داشته باشد، حکمی که به نفع مردم باشد ارجحیت دارد. می‌توان گفت از رواج این دو اصل بین مسلمین، پدیده‌ای به نام سنت متولد گشت.

همواره سنت و سیره پیامبر به معنای خط مشی، تبیین شده از سوی ایشان، برای تمامی مسلمانان حجت بوده است و سنت به عنوان یکی از راه‌های استنباط احکام دینی شناخته شده است. اما با گذشت زمان این بار مسائلی برای امت اسلامی پیشامد کرد که سابقه وقوع آن وجود نداشت. در این زمان حساس بود که سرنوشت مذاهب نوشته شد. عالمان دین برای پاسخ به سوالات جدیدالطرح ناچار به استفاده از قوه‌ی عقل و منطق خویش بودند اما استفاده از منطق نیز عواقب خاصی به دنبال داشت. پس از مدتی دین با احکام بسیار گسترده‌ای پرور شده بود و اساساً تفاوت میان سنت و استدلال مشخص نبود؛ در چنین وضعیتی علمای اهل تسنن در قرن یازدهم میلادی تصمیم به بستن باب اجتهاد گرفتند. بستن باب اجتهاد بدین معنی بود که احکام دین برای سعادت بشر کفایت می‌کند و فتاوی جدیدی بر پایه عقل نباید صادر شود.

اساساً بحث علل انحطاط علمی سرزمینی که امروزه ایران می‌خوانیم با بسته شدن باب اجتهاد توسط علمای اهل تسنن گره خورده است. در قرن یازدهم اساساً کاربرد فلسفه نه در اصول اجتماعی بلکه در احکام شریعت بوده است. شاید به دلیل عاریتی بودن دانش موجود در پایتخت مسلمین (بغداد) در اوج شکوفایی امپراطوری اسلام نتوان شکوه علمی را حاصل از تاملات و تفکرات مسلمانان دانست اما مسلماً بسته شدن باب اجتهاد را می‌توان آغاز انحطاط فلسفه و علم دانست.

از طرفی از مهم‌ترین پیامدهای بسته شدن باب اجتهاد ایجاد یک تفکر غلط در عموم گشت که همانا فهم علما از شریعت هم‌تراز با ذات شریعت است و تقدس آن را نیز به ارث می‌برد.



# کترسی شعر (دکتر بازی)

خاک ایران یکسر از دکتر پر است / هر که دکتر نیست نانش آجر است  
ملک ایران سرزمین دکتران / اینقدر دکتر نباشد در جهان  
شهر دکتر، کوچه دکتر، باغ دک / کبک دکتر، فنچ دکتر، زاغ دک  
عابران هر خیابان دکترند / دانه‌های برف و باران دکترند  
هم وزیران هم مدیران دکترند / بیشتر از نصف ایران دکترند  
هر که پستی دارد اینجا دکتر است / دیپلم ردیست، اما دکتر است  
هر که شد محبوب از ما بهتران / هر که شد منصوب بالا دکتر است  
هر که رد شد از در دانشکده / یا گرفته دکتری، یا دکتر است  
شعر نو مدیون دکترها بود / تو ندانستی که نیما دکتر است؟  
شاعر تیتراژها مان دکتر است / مجری اخبار سیما دکتر است  
آنکه مثل آفتاب نیمه شب / سر زد از صندوق آرا دکتر است  
شاد باش ای دکتر آرای ما / دکترای جمله دانش‌های ما  
ای تو افلاطون و جالینوس ما / دکترایت نخوت و ناموس ما  
در جهانی که پر است از نابغه / دکتری چندان ندارد سابقه  
بی سبب افسرده‌ای، غم می‌خوری / سرزمین ماست مهد دکتری  
خطمان وقتی شبیه میخ بود / ای بسا دکتر در آن تاریخ بود  
این همه آدم که در عالم نبود / آدمی کم بود و دکتر کم نبود  
من نگویم، شاعران فرموده‌اند / رخس و رستم هر دو دکتر بوده‌اند  
گرچه باشد قصه‌ها پشت سرش / دکتری دارند ملا و خرش  
شاعران از رودکی تا عنصری / بی‌گمان دارند هر یک دکتری  
شعله‌های عشق چون گر می‌گرفت / آتشی در خیل دکتر می‌گرفت  
عشق با دکتر نظامی قصه‌گو / عشق با دکتر سنایی رازجو  
عارف شوریده دکتر مولوی / نام پایان نامه او مثنوی  
حافظ و سعدی و خواجه دکترند / سروقدان لب جو دکترند  
وحشی و اهلی و صائب دکترند / تاجر و دهقان و کاسب دکترند  
عالمان را خود حدیثی دیگر است / حجت الاسلام دکتر بهتر است  
بحث‌های جعل مدرک نان‌بریست / بهترین سرگرمی ما دکتریست  
عده‌ای مشغول دکترسازی‌اند / عده‌ای سرگرم دکتربازی‌اند

نگار اسفندی



# ترامپ یا بایدن

کج شقایق نظری

تجربیات و دانش کارشناسان این حوزه تا حد بسیاری می‌تواند پیش-بینی‌هایی واقع‌گرایانه در مورد شرایط آینده داشت.

## انتخابات تأثیری ندارد یا تأثیر کمی دارد:

یکی از این تحلیل‌ها می‌گوید این انتخابات اهمیت چندانی ندارد و روی کار آمدن ترامپ یا بایدن، فرقی به حال ایران نمی‌کند. چراکه سیاست‌های کلی آمریکا نسبت به ایران با عوض شدن فرد رئیس-جمهور تغییری نمی‌کند. همچنین سیاست‌های ایران نیز نسبت به آمریکا ثابت است. بنابراین نمی‌توان انتظار تغییری خاص در شرایط موجود را داشت.

همچنین طبق نظر کارشناسان صرفاً بخشی از مشکلات ایران مربوط به تحریم‌ها و سیاست‌های خارجی می‌باشد و بخش زیادی از مشکلات ناشی از مسائل مربوط به داخل کشور می‌باشد. زیرا که جدای از تحریم‌ها و سیاست‌های خارجی نقص‌های جدی و بنیادی در ساختار اقتصادی کشور وجود دارد و تا وقتی که مسائل و مشکلات داخلی حل نشده باشد حتی با رفع تحریم‌ها نیز تغییر خاصی رخ نخواهد داد.

## انتخابات کاملاً تأثیرگذار است:

بسیاری از کارشناسان معتقدند اتفاق مثبتی که بعد از پیروزی بایدن اتفاق می‌افتد، موقتی و ناشی از ایجاد موج خوشبینی خواهد بود و دلیل موقتی بودن آن را عدم پذیرش مذاکره با آمریکا می‌دانند. اما در کوتاه مدت انتخاب بایدن می‌تواند باعث کاهش نرخ ارز حتی تا حدود ۲۰ هزار تومان شود و در مقابل با پیروزی ترامپ احتمال افزایش قیمت دلار حتی تا بیش از ۴۰ هزار تومان وجود داشت. همچنین انتخابات آمریکا در تجارت ایران با کشورهای مختلف کاملاً تأثیرگذار است. اگر آقای ترامپ پیروز می‌شود احتمالاً تحریم‌ها سخت‌گیرانه‌تر و به دنبال آن میزان واردات و صادرات ایران کمتر می‌شود که می‌توانست اقتصاد ایران را وارد شرایط بدتری کند. اما با پیروزی بایدن احتمالاً تا حدی از فشار روی ایران کاسته شود و میزان تجارت بین‌المللی افزایش یابد. همچنین افزایش نگاه درونزا و برون‌نگر می‌تواند در رونق اقتصاد ایران تأثیر بسزایی داشته باشد که لزوم رسیدن به چنین نظام اقتصادی در دسترس بودن فناوری و تکنولوژی‌های روز دنیا می‌باشد. این امر در افزایش تولیدات داخلی استاندارد موثر می‌باشد که با روی کار آمدن بایدن و کاهش تحریم‌ها و با افزایش تجارت بین‌الملل شرایط برای ورود فناوری‌ها می‌تواند راحت‌تر باشد.

## ترامپ یا بایدن؛ کدام یک برای ایران بهتر است؟!

به پایان دوره اول ریاست جمهوری آقای ترامپ نزدیک شده‌ایم و طبق سیاست انتخابات آمریکا هر ۴ سال یک بار انتخابات جدیدی برگزار می‌شود تا رئیس‌جمهور منتخب بعدی مشخص شود. موضوعی که در این انتخابات مشاهده کردیم اهمیت و واکنش‌های بسیار مردم ایران به این انتخابات بود. گویی که این انتخابات برای مردم ایران مهم‌تر است تا مردم آمریکا. مردمی که آینده خود را به گونه‌ای وابسته به نتیجه این انتخابات می‌بینند.

از دلایل اصلی این حجم از توجه به انتخابات آمریکا قدرت بسیار بالای ایالات متحده در حوزه سیاست و اقتصاد در جهان است. این کشور رتبه اول اقتصاد جهان و حدود یک چهارم تجارت جهانی را در اختیار دارد و قدرت نفوذ بالایی در نقاط مختلف جهان دارد؛ بنابراین در شرایط ایران نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد.

در این بین بیان سناریوها و تحلیل‌های بسیار گوناگون و بعضاً بسیار متناقض از جانب مردم و کارشناسان و تحلیل‌گران سیاسی مشاهده کردیم. موضوعی که برای عموم مردم ایران مهم‌تر بنظر می‌رسد وضعیت اقتصادی و معیشتی ایران بعد از به‌روزی کار آمدن رئیس-جمهور منتخب آمریکا است. مردمی که در شرایط بسیار بد اقتصادی خود را گرفتار می‌بینند و شاید نتیجه انتخابات آمریکا را راهی برای نجات از این وضعیت اسفناک می‌دیدند.

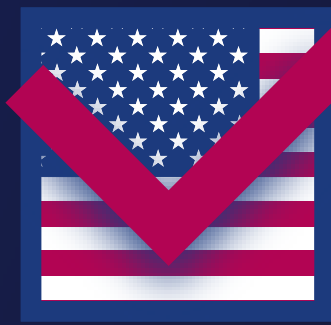
یکی از دلایل اصلی اهمیت این انتخابات برای ایرانیان اظهار نظرهای متفاوت دو نامزد ریاست جمهوری در مورد ایران می‌باشد. دونالد ترامپ که معتقد به اعمال تحریم‌های حداکثری علیه ایران می‌باشد و تاکنون نیز تا حدود ۹۰٪ از این تحریم‌ها را اعمال کرده است و طبق اظهاراتش به فشار حداکثری علیه ایران ادامه خواهد داد تا جایی که ایران چاره‌ای جز مذاکره با آمریکا را نداشته باشد. در مقابل بایدن طبق اظهاراتش معتقد به روش‌های ملایم‌تر و صالح‌آمیزتر برای مذاکره با ایران است.

اما آیا واقعا قرار است تغییری شگرف در وضعیت ایران رخ دهد؟! این انتخابات تا چه اندازه می‌تواند در وضعیت ایران تأثیرگذار باشد؟!

برای پی بردن به این موضوع ابتدا بایستی چند مورد از سناریوها و تحلیل‌های متفاوت مطرح شده را بررسی کنیم. قبل از بررسی ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که این تحلیل‌ها صرفاً بر روی کاغذ هستند و در واقعیت آینده می‌تواند بسیار متفاوت از انتظار ما باشد. اما با در نظر گرفتن رفتارها و رویدادهای گذشته و استفاده از

20  
20  
PRESIDENTIAL  
ELECTION





# 2020 PRESIDENTIAL ELECTION

## مذاکره با ترامپ راحت تر از مذاکره با بایدن است:

درست است که ایران علاقه‌ای به مذاکره با ترامپ ندارد اما در صورت ادامه وضعیت فعلی اقتصادی، کشور در شرایط بسیار بحرانی و ابرتورمی قرار خواهد گرفت که در این صورت احتمال تضعیف پایه‌های حکمرانی مطرح می‌شود در نتیجه شرایط ایجاب می‌کند که ایران مذاکره را بپذیرد، همانطور که در گذشته نیز ایران در شرایط بسیار بحرانی برای کمتر آسیب دیدن به سوی مذاکره حرکت کرده است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت احتمال مذاکره ایران با آمریکا در صورت ادامه وضعیت فعلی بالا می‌باشد. همچنین طرف دیگر معامله یعنی دونالد ترامپ نیز به دنبال کسب منافع اقتصادی حاصل از ارتباط با ایران از جمله بازار ۸۰ میلیون ایرانی برای شرکت‌های آمریکایی است. زیرا که ترامپ به اندازه‌ی کافی حمایت و منافع از کشورهای اطراف خلیج فارس و اسرائیل را در دوره اول ریاست جمهوری‌اش دریافت کرده بود و طبق اظهاراتش خاورمیانه را مکانی برای مداخله نظامی نمی‌دید زیرا این کار را پرهزینه‌تر از فوایدش می‌دانست. همچنین عموماً رئیس - جمهورهای آمریکا تمایلی به مذاکره با ایران در دوره اول خود را ندارند چرا که از جانب حذرها تحت فشار هستند. حال آقای ترامپ در دور دوم ریاست جمهوری خود مانعی برای مذاکره با ایران نمی‌دید.

## حال چرا مذاکره با بایدن سخت تر است؟

تصمیم گیران ایرانی اکنون تصور می‌کنند بعد از گذر از تحریم‌های حداکثری، بدون مذاکره هم می‌توانند به اداره کشور بپردازند. همچنین احتمالاً حاکمیت علاقه‌ای به مذاکره قبل از تابستان ۱۴۰۰ نداشته باشد. از طرف دیگر بایدن نیز از طرف حذب مخالف تحت فشار خواهد بود و همچنین انتخابات ریاست جمهوری ایران نیز در پیش است و احتمالاً بایدن علاقه‌ای برای مذاکره تا زمان قطعی شدن رئیس جمهور ایران نخواهد داشت.

اکنون که انتخابات به پایان رسیده است و پیروزی جو بایدن از سوی کالج انتخاباتی کشور به رسمیت شناخته شده است بایستی سناریوی پیروزی بایدن را بررسی کرد. جو بایدن با بیش از ۸۱ میلیون رای رکورد تازه‌ای بر جای گذاشت. البته آقای بایدن همچنان کمپین انتخاباتی خود را حفظ کرده زیرا دونالد ترامپ تاکنون شکست را قبول نکرده است و بر روی ادعای مبنی بر تقلب گسترده پافشاری می‌کند. البته این ادعا تاکنون از سوی قضات و وزارت دادگستری و دیوان عالی ایالات متحده پذیرفته نشده است. ادعاهای ترامپ باعث شد تاحدی صحت سیستم انتخاباتی آمریکا زیر ذره بین رود. ایالات متحده یک فدراسیون است که در سطح دوات فدرال (ملی) رئیس جمهور از طریق یک سیستم دومرحله‌ای انتخابات توسط مردم و مجمع گزینندگان (افراد منتخبی که

موظف به انتخاب نامزد خاصی هستند) برای ۴ سال برگزیده می‌شود. براساس قانون اساسی آمریکا، فردی که در انتخابات الکترال بیشترین رای را آورده باشد راهی کاخ سفید می‌شود و ممکن است فردی با رای مردمی بیشتر با توجه به رای‌های الکترال به کاخ سفید راه نیابد همانند انتخابات گذشته که هیلاری کلینتون با وجود رای مردمی بیشتر به جایگاه ریاست جمهوری دست نیافت. هر ایالت با توجه به جمعیتش تعداد مشخصی رای در کالج الکترال دارد که مجموع این رای‌ها ۵۳۸ می‌باشد و فردی که زودتر به عدد ۲۷۰ رای برسد پیروز انتخابات است. در واقع مردم هنگام رای دادن در یک رقابت در سطح ایالتی شرکت کرده‌اند. در همه ایالات به جز دو ایالت فردی که بیشترین رای را کسب کند کل آرای ایالت در کالج الکترال به او اختصاص می‌یابد. در بین ایالت‌ها ۱۰ تا ۱۲ ایالت کلیدی و سرنوشت‌ساز هستند و بیشتر هدف و تمرکز نامزدها بر روی این ایالت‌ها می‌باشد.

یک‌سری از ایالت‌ها داشتن کارت شناسایی را اجباری کرده‌اند و رای‌دهندگان بایستی از قبل هویت خود را اثبات کنند. این قانون بیشتر مورد حمایت جمهوری خواهان است. در مقابل دموکرات‌ها مخالف این قانون هستند زیرا معتقدند احتمال داشتن کارت شناسایی در بین افراد فقیر و گروه‌های اقلیت کمتر است.

امسال نیز به دلیل شیوع بیماری کرونا، تعداد آرای پستی افزایش پیدا کرد که ترامپ از همان ابتدا نگران افزایش تقلب از طریق آرای پستی و مخالف این شیوه‌ی رای‌گیری بود. در مقابل بایدن هواداران خود را به ارسال آرای پستی تشویق کرده بود و همین موضوع شبهات و نگرانی‌های احتمال افزایش تقلب را پررنگ‌تر کرد.

## پیروزی بایدن:

دولت و مشاوران بایدن باور دارند در صورت نیاز و عدم همکاری و پذیرش شرایط از سوی ایران تحریم‌ها باز خواهند گشت و در کل دولت بایدن فقط از تخفیف و کاهش تحریم‌ها سخن می‌گوید. همچنین دولت بایدن معتقد است باید از اشتباهات برجام اوپاما درس گرفت و اشتباهات او را تکرار نکرد. یکی از اشتباهات اوپاما بی - توجهی به خواسته‌های دولت‌های اطراف خلیج فارس، اسرائیل و جمهوری خواهان بود. در واقع به نظر می‌رسد جو بایدن با استفاده از تجربیات گذشته، سیاستی ترکیبی از ترامپ و اوپاما را اجرا خواهد کرد.

در کل اکثر پیش بینی‌ها بر کاهش قیمت ارز، طلا، مسکن و یا حداقل به وجود آمدن ثبات کوتاه مدت استوار است. همچنین با احتمال پایان همه‌گیری کرونا و ایجاد برخی گشایش‌های اقتصادی احتمال رشد اقتصادی مثبتی افزایش می‌یابد. هر چه که باشد جو بایدن در تاریخ ۲۰ ژانویه قدرت را تحویل خواهد گرفت و بایستی منتظر ماند و صبر پیشه کرد.



PRESIDENTIAL  
ELECTION



# حافظه

علاقه‌مندان می‌توانند مطالب و نظرات خود را نسبت به حوادث اشاره شده در بخش "حافظه" جهت چاپ در نسخه آتی نشریه به روابط عمومی نشریه ارسال نمایند...



اصابت خمپاره به خاک ایران  
منازعه ارمنستان و آذربایجان  
بر سر قره‌باغ

کتک زدن دسته‌جمعی یک دختر  
انتشار ویدئویی منزجرکننده از آزار  
یک دختر آبادانی



ترور

دکتر فخری زاده

از چهره‌های سرشناس صنعت هسته‌ای کشور



کشته شدن جوان مشهدی توسط پلیس

مهرداد سپهری، از شهروندان مشهد با  
گاز اشک‌آور و شوکر کشته شد



“Nightingale”  
RustyHarden